



تک خبر

«شورای شهر مشهد: ایستگاه مترو طالقانی به نام شهید فرج الله شوشتری تغییر یافت.

«وزارت اقتصاد: ۱۴۸ هزار میلیارد تومان جرائم مالیاتی بنگاه‌های آسیب دیده از جنگ بخشوده شد.

«آموزش و پرورش: حدود ۷۲ مرکز آموزشی غیرمجاز در کشور شناسایی شدند.



سراب «وام فوری»

وقتی دلان جای بانک‌ها را می‌گیرند

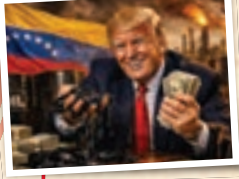


رشد چشمگیر تأمین ارز دارو

بانک مرکزی: تأمین ارز دارو و تجهیزات پزشکی از ابتدای سال تا ۱۴ مهرماه ۱۴۰۵ به حدود ۳ میلیارد دلار رسیده است. این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۲ میلیارد و ۳۳۰ میلیون دلار بود و رشد ۲۸ درصدی را نشان می‌دهد.



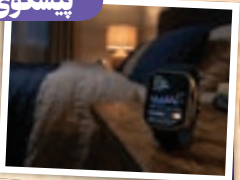
چپاول عریان ونزوئلا



در دنیای سیاست، اعتراف به دزدی آشکار، کم سابقه است؛ اما ترامپ دروغگو با وقاحتی تمام عیار پرده‌ها را کنار زد. او رسماً به سرقت منابع طبیعی و ثروت ملی ونزوئلا اعتراف کرد. ترامپ با نگاهی غارتگرانه گفت: ما این ثروت را برای خود برمی‌داریم چون شایسته آن هستیم؛ مگر غنایم متعلق به پیروز میدان نیست؟ ادعای کسب میلیاردها دلار درآمد روزانه از دارایی‌های این کشور، چهره واقعی سیاست چپاول‌گرایانه واشنگتن را بیش از پیش برای افکار عمومی جهان عیان کرد.

پیشگوی سلامتی با مچ‌بند

خبر ویژه



آیا ساعت‌های هوشمند می‌توانند سال‌ها پیش از بروز علائم، بیماری‌ها را پیش‌بینی کنند؟ پژوهشی جدید روی ۹۵ هزار نفر نشان می‌دهد هوش مصنوعی با رمزگشایی از الگوهای خواب ثبت شده روی مچ دست، خطر ابتلا به ۱۵۶ بیماری را رهگیری می‌کند. این داده‌ها هشدار می‌دهند که خواب کمتر از پنج ساعت، زنگ خطری جدی برای سلامت بلندمدت است. گرچه این گجت‌ها هنوز جایگزین پزشک نیستند، اما شاید در آینده‌ای نزدیک، به مهم‌ترین ابزار پیشگیری زود هنگام در زندگی روزمره تبدیل شوند.

فاجعه انسانی در غزه

گزارش گزارشگر سازمان ملل از پرتاب ۲۲۳ هزار تن بمب معادل شش بمب هسته‌ای توسط اسرائیل بر غزه خبر می‌دهد؛ این حملات ویرانگر تاکنون منجر به شهادت ۷۴ هزار نفر، مجروح شدن ۱۵۷ هزار تن و تخریب گسترده زیرساخت‌های مسکونی این منطقه شده است.



جان فدای وحدت و محرومیت زدایی

کلوزآپ

شهید دکتر نصرت افتخاری، فقط یک نام در میان بانوان نخبه پلیس سیستان و بلوچستان نیست؛ او نماد روشنی از زنی برخاسته از بطن مردم است که تخصص و فرهیختگی‌اش را وقف گره‌گشایی از رنج‌های هم‌وطنانش کرد. در قامت معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس سیستان و بلوچستان، به جای نشستن در حاشیه امن، به دل محرومیت‌ها زد. او راهی دورافتاده‌ترین و کم‌تر دیده‌شده‌ترین نقاط استان شد تا بذر هم‌بستگی، اعتمادسازی و وحدت میان اقوام و مذاهب را در خاک سیستان و بلوچستان بکارد. سرانجام در یکی از همین مأموریت‌های خالصانه برای کمک به مردم مناطق حاشیه‌ای اراکان، هدف‌تیرکینه تروریست‌ها قرار گرفت و به شهادت رسید. ترور چنین خادمی، جز استیصال راهبردی دشمن در برابر سرمایه‌های اجتماعی کشور معنایی ندارد؛ اما شکی نیست که تعرض به این خون‌های پاک، هزینه‌ای سخت و پشیمان‌کننده در پی خواهد داشت.



شلیک نبوغ در قاب شبکه ۲

خبرخوان



مسابقه «نقطه زن» با اجرای نیماکرمی، میدان نبرد علمی نوجوانان چهارده تا هفده ساله از سراسر کشور است. در این لیگ هجده قسمتی که ساعت ۲۲ از شبکه ۲ پخش می‌شود، شلیک موشک‌های آبی، فراتر از یک بازی، حاصل ساعت‌ها محاسبات مهندسی و کار گروهی‌اند. علیرضا گرانپایه در این برنامه، رؤیاهای علمی نوجوانان را از روی کاغذ به میدان عمل آورده است؛ جایی که هوش و دقت، حرف اول را می‌زند.

بازی‌های رسانه‌ای با حربه تقطیع

این روزها کلیپی تقطیع شده از مصاحبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۴ شهید دکتر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، با ادعای «ارتباط برخی مسئولان داخلی با آمریکایی‌ها» در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود؛ اما حقیقت پنهان شده در این ویدئو چیست؟ شهید لاریجانی در آن گفت‌وگو، ابتدا ادعای واهی ترامپ درباره ارتباط برخی فرماندهان با او را صرفاً نقل قول می‌کند تا پاسخی محکم و کوبنده به آن بدهد و تأکید کند که تمام مقامات، فرماندهان نظامی و مردم، یکپارچه در برابر این اکاذیب ایستاده‌اند. این تقطیع هدفمند، دقیقاً تیغ کشیدن بر روی انسجام کشور است؛ همان دغدغه‌ای که ایشان در ۲۸ مهر ۱۴۰۴ در نامه‌ای به رسانه‌ها نوشت: برای دفع خطرات از کشورمان ایران، دو نکته مهم است. یکی تقویت نیروهای مسلح؛ پیگیری این مورد با ما و مهم‌تر، حفظ انسجام ملی؛ پیگیری و کمک درباره این موضوع هم با شما رسانه‌های عزیز



سراب «وام فوری»

وقتی دلان جای بانک‌ها را می‌گیرند

در روزهایی که بسیاری از مردم با کلاف درهم پیچیده مشکلات نقدینگی دست و پنجه نرم می‌کنند، آگهی‌های فریبنده‌ای با عناوین «وام فوری»، «بدون ضامن» و «کارمزد پایین» در شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌هایی چون دیوار و شیپور، همچون سرابی در دل کویر به چشم می‌آیند. هم‌زمان با گسترش پرداخت تسهیلات خرد بانکی، شرکت‌هایی خارج از چتر نظارتی بانک مرکزی سبز شده‌اند که با سوءاستفاده از نیاز فوری مردم به پول، دامی خطرناک برای بلعیدن سرمایه‌های خرد پهن کرده‌اند و متقاضیان بی‌پناه را به مسلخ می‌برند.

از تله پانزی تا کاسبی با ضامن

بسیاری از این شرکت‌ها با مکانیزمی دقیقاً شبیه به «طرح‌های پانزی» عمل می‌کنند؛ ابتدا از متقاضی می‌خواهند مبلغی را به مدت سه تا شش ماه سپرده‌گذاری کند. در گام نخست، وام چند نفر با شرایطی متضادانه پرداخت می‌شود تا دیوار اعتماد اولیه ساخته شود. با افزایش مشتریان و جمع شدن حجم انبوهی از سپرده‌های امانتی، شرکت به یک باره ثبت‌نام‌های جدید را متوقف کرده، راه‌های ارتباطی را مسدود می‌کند و ناپدید می‌شود؛ چرخه‌ای که نتیجه‌اش از بین رفتن اصل سرمایه مردم است. در سوی دیگر، واسطه‌هایی هستند که وام را واقعاً جور می‌کنند، اما به بهای گزاف استثمار از آن‌ها برای تأمین ضامن بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان می‌گیرند و در همان ابتدا بخش عمده پول را به عنوان هزینه و سود برمی‌دارند.

مستولیت ضربه با خودتان است!

در برابر این آشفته بازار، بانک مرکزی، آب پاکی را روی دست



مال باختمان ریخته و تأکید می‌کند: اگر مردم با این تبلیغات فریبنده پیامکی و مجازی متضرر شوند، مسئولیت آن کاملاً با خودشان است و باید فقط به مؤسسات مجاز مراجعه کنند. با این حال، بانک مرکزی به هشدارهای کلامی بسنده نکرده است. مکاتباتی با مدیران عامل سه اپراتور همراه اول، ایرانسل و رایتل انجام شده تا جلوی پیامک‌های انبوه وام‌فروشی گرفته شود؛ چراکه طبق آیین‌نامه‌ها، افراد ناشناس حق تبلیغات در حوزه بانکی را ندارند. همچنین دو نامه‌نگاری با پلیس فتا و سازمان تنظیم مقررات در دست اقدام است تا با این متخلفان، برخورد جدی صورت گیرد.

چرا مردم در آغوش دلان می‌افتند؟

اما چرا مردم به این دلان پناه می‌برند؟ پاسخ روشن است: شکاف عمیق میان نیاز فوری خانوارها به نقدینگی و مسیر سنگلاخ وام‌های بانکی. برای خانواده‌ای که درگیر هزینه درمان یا رهن خانه است، صف‌های طولانی بانک معنایی ندارد. از سوی دیگر، بانک‌ها با شروطنی نظیر میانگین حساب و دو ضامن کارمند، عملاً راه را بر اقشار ضعیف بسته‌اند. اعتبارسنجی هم که قرار بود قفل وام‌های خرد را باز کند، اکنون به بهانه‌ای تازه برای وام‌ندادن تبدیل شده است؛ تاجایی که برخلاف وعده‌ها، برای یک وام پنجاه میلیونی هم ضامن می‌خواهند و اعتباری برای سهام عدالت قائل نیستند. در نتیجه، تازمانی که نظام اعتبارسنجی اصلاح نشود و سایه سنگین ضامن و وثیقه‌های دشوار از سرمتقاضیان کم‌درآمد برداشته نشود، بازار موازی و غیررسمی دلان همچنان به مکیدن خون متقاضیان مستأصل ادامه خواهد داد.

خاطرات یک مسئول ارزی از اقدامات مفیدش

بر اساس برنامه ارزی جدید بانک مرکزی، فروش ارز به متقاضیان در بانک های منتخب آغاز شد. در این طرح، هم وطنان بیش از هجده سال می توانند با ارائه کارت ملی تا سقف ۱۰ هزار دلار خرید کنند. گذشته از اینکه بیشتر کارشناسان می گویند این مدل ارزیابی مشکلات دولت را بیشتر می کند، همین که خود دولت دلار را با قیمت گزاف می فروشد هم یک مسئله دیگر است. به اضافه اینکه وقتی خبرنگاران از وزیر اقتصاد درباره بالارفتن قیمت دلار پرسیدند، ایشان همه را به رئیس بانک مرکزی حواله داد و او هم از زیر بار پاسخ دادن در رفت. برای همین بد نیست روزنوشته های یک مسئول ارزی را بخوانیم تا بفهمیم پشت پرده این قیمت ارز چه می گذرد و مسئولان عزیز و خدوم چه تدابیری برای این امر اندیشیده اند.



کی بود؟ کی بود؟ من نبودم!

امروز نشست خبری برای افزایش بی رویه قیمت ارز بود، گرچه معتقدم افزایش قیمت بی رویه نیست و خیلی هم رویه دارد. من هم با چهره مبذل در این نشست شرکت کردم. نه به دلیل اینکه از روز روشن شدن با مردم و خبرنگاران می ترسم، هرگز؛ به دلیل اینکه به طور نامحسوس عملکرد سایر مسئولان ارزی و واکنش ایشان برابر اصحاب رسانه را زیر نظر بگیرم. تجربه خوبی بود. کسی کاری به کارم نداشت و لازم نبود به شخصی جواب پس بدهم. ولی از یک طرف بد هم بود، چون دیگر خبری از احترام گذاشتن ها و ردیف اول نشستن ها و ناهار را در وی آی پی خوردن ها نبود. به هر حال هر کاری سختی های خودش را دارد. نکته جالب نشست این بود که وقتی خبرنگاران از آقای رئیس پرسیدند چرا دلار گران شده است؟ گفت بروید از آقای معاون بپرسید. خبرنگارها به سمت آقای معاون هجوم بردند و همین سؤال را کردند. ایشان هم گفت بروید از آقای رئیس بپرسید. این بار تا خبرنگارها سراغ آقای رئیس رفتند، ایشان سوار ماشین شده بود و رفته. ترفند خوبی است.

اقدام ضربتی حذف اسفرازیول

مهار قیمت ارز از دست همه خارج شده است. واقعا نمی دانیم چه کار باید بکنیم تا اقلایک روز زیاد نشود. اگر هم زیاد می شود، دست کم تصاعدی زیاد نشود. جلسه اضطراری تشکیل دادیم و بعد از ساعت ها هم فکری، به این نتیجه رسیدیم که اعلام کنیم سایت ها و کانال های خبری حق ندارند قیمت دلار و تتر را اعلام کنند. ممکن است تأثیری در گران شدن دلار نداشته باشد، ولی دست کم مردم قیمت ها را نمی بینند و حرص نمی خورند و به جان ما بیشتر دعا می کنند. اگر این کار جواب نداد، باز مجبوریم در یک عملیات ضربتی سلاطین دلار و یورو و تتر و پوند و طلا و سکه را دستگیر کنیم. شاید این طوری خود ارز و طلا و سکه بترسند و چند ساعتی گران نشوند. اگر این ترفند هم کارگر نیفتاد، شاید تصمیم بگیریم اسم ارزها را عوض کنیم و مثلا به دلار بگوییم «اسمشونیر»، یا اصلا خرید و فروش دلار را ممنوع اعلام کنیم و خلاص.

دلار، رده، دلار، زور، رده!

از بالا گفتند اعلام کنیم خود دولت به هر کارت ملی ۱۰ هزار دلاری دهد تا بازار ارز کنترل شود. راهکار خیلی خوبی است که فقط به فکر مسئولان رده بالای ما می رسد. آن ها بی خود رئیس نشده اند. برای همین راه حل هایی است که می دهند؛ اینکه از کجا دلار بیاوریم و مشکلات دیگرش هم مهم نیست. مهم این است که هم مردم خوش حال می شوند. هم مسئولان، به دلیل پولی که به دست می آورند. این وسط قیمت دلار هم همین حدود ثابت می شود که چه بهتر. حالا اگر دلار هم کم آوریم، چند ساعتی قیمت را پایین می آوریم تا مردم بفروشند. از خودشان می خریم و فردا دوباره با قیمت بهتری به خودشان می فروشیم. واقعا که چه مسئولان اقتصاددان گلی داریم. حیف، کسی قدرمان را نمی داند.

اندر احوالات استاندارهای ما

چهارشنبه این هفته روز جهانی استاندارد است. با اینکه همه می دانیم فاصله ما با استاندارد ایده آل، بسیار ناچیز است و در بسیاری زمینه ها از استانداردهای جهانی خیلی هم جلوتریم. محکم کاری برویم ببینیم چقدر ما استاندارد داریم:

کارتون، شهرام شیرزادی

